DOI: 10.22067/social.2023.79998.1273
مقالهٔ پژوهشی – مطالعه موردی

عوامل اثرگذار بر جذب مقصد و دفع مبدأ مهاجرت روستایی و واکاوی معانی ذهنی مهاجران[1]

عباس رمضانی باصری (دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران)
abbasramazani86@yahoo.com
مریم مختاری (دانشیار گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران، نویسندهٔ مسئول)
mmokhtari@yu.ac.ir
مجید فولادیان (دانشیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)
fouladiyan@um.ac.ir
رامین مرادی (استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه یاسوج، یاسوج،ایران)
rmoradi@yu.ac.ir

چکیده

هدف این پژوهش، بررسی عوامل دافعه و جاذبه در مهاجرت روستاییان از طریق تمرکز بر روایت‌های مهاجران است. اغلب تحقیقاتی که به این موضوع پرداخته‌اند، عموماً تفسیر ذهنی مهاجران درباره عوامل مؤثر در دفع مبدأ و جذب مقصد را نادیده گرفته‌اند. جامعهٔ موردمطالعه در این پژوهش، خانواده‌هایی بودند که از منطقه کامفیروز مهاجرت کرده و در شهرک‌های سعدی و جوادیه شیراز مستقر شده بودند. در این پژوهش از روش روایت‌پژوهی برای دستیابی به روایت زندگی این افراد استفاده شد. همچنین برای

1. این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده نخست با عنوان «روایت‌پژوهی مهاجرت روستاییان به حاشیه شهر شیراز» است که در دانشگاه یاسوج انجام شد.

نشریهٔ علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد، سال بیستم، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۲، شماره پیاپی ۴۴ صص ۱–۲۵
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۱۹ تاریخ تصویب:۱۴۰۱/۱۲/۱۶

گردآوری داده‌های پژوهش از روش مصاحبه استفاده شد. مصاحبه‌ها با رویکرد اکتشافی و به صورت نیمه‌ساختاریافته در سکونتگاههای این افراد انجام شد. پس از ۲۲ مصاحبهٔ عمیق اشباع نظری حاصل شد و چهار مدل به دست آمد: ۱. مدل خانواده‌های مهاجر دارای فقر اقتصادی، ۲. مدل خانواده‌هایی که دچار دگرگونی ارزشی-هنجاری شده‌اند، ۳. مدل زمین-داران روستایی ساکن در حاشیه شهر و ٤. مدل خانواده‌های علاقه‌مند به کار و تلاش دائمی (فرهنگ کار). تحلیل نتایج بیانگر این است که از دیدگاه مشارکت‌کنندگان عوامل دافعهٔ مبدأ عبارت‌اند از: توسعه‌نیافتگی، بیکاری فصلی، نبود امکانات رفاهی و آموزشی، نظارت جمعی شدید و نقض حریم زندگی شخصی و عوامل جاذبهٔ شهری نیز کسب منزلت اجتماعی بالاتر، جهت‌گیری مدرن، وجود شبکهٔ آشنایان قبلی، فراهم بودن امکانات آموزشی مناسب و امکانات رفاهی بالاتر در شهر.

کلیدواژه‌ها: روایت، تفسیر ذهنی مهاجر، جاذبه، دافعه، مهاجرت.

۱. مقدمه

مهاجرت جنبهٔ پویای مردمان یک شهر و پدیدهٔ جمعیتی و اجتماعی است؛ چراکه متناسب با آن می‌توان حرکات جمعیت را با متغیرهای سن، جنس، نژاد، ملیت، اشتغال و سطح آموزش ارزیابی کرد. درواقع تأثیر مهاجرت بر رشد جمعیت، اقتصاد و توسعهٔ شهری هر کشوری درخورملاحظه است (محمودیان و محمودیانی، ۱۳۹۷، ص. ٥٦). مهاجرت به‌عنوان یکی از عوامل اصلی پویایی جمعیت، سبب تغییر در ساختار سنی و جنسی و متوسط رشد سالانهٔ جمعیت و تحولات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در مبدأ و مقصد می‌شود.

ازآنجاکه در گذشته رشد جمعیت و درنتیجه جابه‌جایی انسان‌ها در مقیاس بسیار کوچک‌تری صورت می‌گرفت، تأثیر این جابه‌جایی‌ها بر ساختار اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی مناطق مهاجرفرست و مهاجرپذیر چندان چشمگیر نبود و حتی امری کاملاً طبیعی و گاه طبیعی تلقی می‌شد. امروزه مهاجرت به یکی از مهم‌ترین مسائل جمعیتی و در برخی از کشورها به معضلی اجتماعی تبدیل شده است. در ایران، مهاجرت روستاییان و ساکنان

شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ و کلان‌شهرها موجب ایجاد تغییرات فراوان در افکار، شیوه‌های زندگی و اخلاق مهاجران شده و زمینه‌ساز پیدایش بعضی از عوامل ناخوشایند اجتماعی و روانی شده است. افزایش مهاجرت داخلی سبب بروز بی‌نظمی‌هایی در گسترش فیزیکی کلان‌شهرها، ایجاد حاشیه‌نشینی و به‌هم‌خوردن تعادل جمعیتی استان‌های مهاجرفرست و مهاجرپذیر می‌شود.

یکی از تبعات منفی مهاجرت به کلان‌شهرها، نبود ظرفیت‌های جمعیت‌پذیری ازقبیل محدودیت اشتغال، مسکن مناسب و آسیب‌های اجتماعی ایجادشده در شرایط افزایش جمعیت است. به دلایل ذکرشده، امروزه در کشور، مهاجرت و ابعاد گستردهٔ آن در بین اقشار گوناگون به مسئلهٔ اجتماعی پیچیده تبدیل شده است (جعفرلو، ۱۳۹۷، ص. ٤٤٦). به نظر می‌رسد یکی از علل مهاجرت روستایی در ایران، تفاوت سطح زندگی شهر و روستا است. کیفیت زندگی در مناطق شهری در مقایسه با سطح زندگی روستاییان بهتر و برخوردارتر است و همین امر یکی از دلایل گرایش تاریخی روستائیان به سکونت در شهر است (جمالی، ۱۳۸۱، ص. ٦٥). نفوذ و تبلیغات رسانه‌ها و داستان‌های مهاجران پیشین درباره الگوهای تفریحی و سبک زندگی شهری موجب تحرک افراد منطقه برای مهاجرت از روستا به شهر شده است. همچنین عوامل غیراقتصادی مانند دسترسی به خدمات آموزشی، درمانی و زیربنایی، ترک ارزش‌ها و هنجارهای سنتی روستا و آزادی تحرک اجتماعی در کنار زرق و برق شهری در مهاجرت روستا–شهری افراد نقشی بارز دارد. می‌توان پذیرفت که در کنار عوامل عینی و اقتصادی، عوامل ذهنی و اجتماعی–فرهنگی در تصمیم‌گیری فرد تأثیر دارد.

طبق دیدگاه وابستگی علل مهاجرت را نمی‌توان از آثار آن جدا کرد؛ زیرا مهاجرت از یک طرف معلول توسعهٔ نابرابر است و از طرف دیگر عامل گسترش و تعمیق نابرابری است. این نظریه به عامل دافعهٔ جمعیت باور دارد؛ علت مهاجرت را نابرابری سطح توسعهٔ روستا و شهر داند؛ مهاجرت را از یک طرف عامل تقویت توسعه‌نیافتگی منطقه مهاجرفرست و از

طرف دیگر عامل تشدید نارسایی‌های منطقه مهاجرپذیر می‌داند؛ درست برعکس نظریه کارکردگرا (رهنما و همکاران، ۱۳۹۱، ص. ٤٨).

براساس سرشماری عمومی سال ۱۳۹۵، شیراز بعد از کرج و رشت با بیش از ۲۰ هزار نفر مهاجر داخلی مواجه بوده است. براساس همین گزارش، بیشترین مهاجران واردشده به شهر شیراز، برحسب مبدأ مهاجرت طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ به شهرستان مرودشت مربوط بوده است که این شهرستان خود دارای چند بخش بوده و یکی از مهم‌ترین آن‌ها منطقه کامفیروز با جمعیت ۳۱۳۰۰ است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۸، ص. ٧٦). این منطقه از گذشته‌های خیلی دور تاکنون، به دلیل آب و هوای معتدل و حاصلخیز بودن اراضی کشاورزی قطب کشت برنج جنوب کشور بوده است (حیدری و همکاران، ١٤٠٠، ص. ۱۲۱). اراضی مرغوب، آب کشاورزی کافی و هوای مطبوع و دلپذیر، سکونت و زندگی را برای مردم این منطقه فراهم کرده است. شرایط نامطلوب زندگی روستایی ازجمله خشکسالی در این منطقه وجود ندارد، اما در سال‌های اخیر مهاجرت مردم منطقه به شهرک‌های اطراف شیراز افزایش چشمگیری داشته است. این پژوهش درصدد است که با رویکردی کیفی به این پدیده بپردازد و فرصتی را برای شنیدن نظر و روایت تجربهٔ افراد مهاجر منطقه کامفیروز که در شهرک‌های جوادیه و سعدی ساکن شده‌اند، فراهم کند. این پژوهش به دنبال پاسخ به این سؤالات است که چه عللی موجب جذب آن‌ها به این شهرک‌ها شده است؟ همچنین عوامل دافعهٔ مبدأ (روستا) از دیدگاه این افراد که فرایند مهاجرت را تجربه کرده‌اند، چیست؟

۲. مبانی نظری تحقیق

۲. ۱. پیشینهٔ تحقیق

از گذشته تاکنون، مهاجرت در ایران مدنظر بسیاری از پژوهشگران بوده و از نظر پژوهشی، حوزهٔ غنی و پرباری به شمار آمده است؛ بااین‌حال، پژوهش‌های زیادی با موضوع مهاجرت صورت نگرفته‌اند تا نشان دهند مهاجران چگونه از مبدأ دل می‌کنند و با شرایط

مقصد سازگار می‌شوند. ازآنجاکه شناسایی عوامل تأثیرگذار بر مهاجرت روستایی اهمیت دارد، این عوامل در مطالعات گذشته بررسی و جمع‌بندی شدند. در تحقیقات پیشین، عوامل مختلفی بررسی شده‌اند. عوامل تأثیرگذار بررسی‌شده در تحقیقات گذشته تنوع زیادی داشته‌اند؛ درنتیجه این عوامل دسته‌بندی شده‌اند که در جدول ۱ همراه با مؤلفه‌های مؤثر بر آن‌ها ارائه می‌شوند.

جدول ۱. عوامل مؤثر بر مهاجرت روستاییان به شهر در تحقیقات گذشته

نوع عامل	مؤلفه مؤثر	عنوان پژوهش
اقتصادی	اشتغال پایدار، امنیت شغلی در شهر، درآمد زیاد در شهر در مقایسه با روستا، امکانات رفاهی بالا در شهر، فقر خانواده در روستا	خسروبیگی بزچلویی و طیب‌نیا (۱۳۹٦) امانپور و امیری فهلیانی (۱۳۹٤) معمری و همکاران (۱۳۹۸) نانندی[1] (۲۰۲۱). ها[2] و همکاران (۲۰۱٦) اعظم‌زاده و زندی (۱۳۹۹) اکبری و همکاران (۱۳۹۹)
فرهنگی	دستیابی به تحصیلات بالا و دانشگاهی، وجود امکانات آموزشی مناسب در شهر، کلاس‌های آموزشی و فوق برنامه برای فرزندان در شهر، مصرف‌گرایی و تمایل به تغییر در سبک زندگی	رستمعلی‌زاده و همکاران (۱۳۹۲) غفاری و ترکی هرچگانی (۱۳۸۹) قاسمی اردهایی و رستمعلی‌زاده (۱۳۹٦) سعدی و همکاران (۱۳۹۳) صدر موسوی و همکاران (۱۳۹۵) محمدی یگانه و سنایی مقدم (۱۳۹٦) پناهی و پیشرو (۱۳۹۰)، فضلی[3] (۲۰۱۵)
اجتماعی	داشتن آسایش در شهر، کسب منزلت اجتماعی بالاتر در شهر، طرد شدن در روستا، داشتن شبکه فامیلی و خویشاوندی در شهر	طالشی و شبنما (۱۳۹٦) یعقوبی و همکاران (۱۳۹٦) علی‌بیگی و همکاران (۱۳۸۸) اکبرپور (۱۳۹٦) طاهرخانی (۱۳۸۱)

1. Nandy
2. Ha
3. Fazli

با توجه به مرور پیشینهٔ تجربی در رابطه با مهاجرت روستاییان به حاشیهٔ شهر و پژوهش-هایی که نگاه پیامدی به موضوع مذکور داشته‌اند، می‌توان استنباط کرد که در مراحل شکل-گیری کلان‌شهرها و رشد میزان شهرنشینی، این جاذبهٔ شهرها بوده که بر دافعهٔ آن‌ها غلبه داشته است و مهاجران بیشماری را به نواحی شهری کشانده است؛ البته این پژوهش‌ها نگاه فرایندی به مهاجرت و حاشیه‌نشینی نداشته‌اند. می‌توان گفت که مهاجرت روستاییان به حاشیهٔ شهر علل گوناگونی دارد که تاکنون پژوهش‌های مختلفی به‌صورت مطالعات مقطعی و با روش پیمایش انجام شده‌اند و بدون توجه به چگونگی فرایند وقوع این پدیده و توالی علل، فقط به بررسی روابط علی میان متغیرها پرداخته‌اند، اما در این میان شکاف و خلأ پژوهشی که به بررسی روایت و درک تجارب شخصی افراد موردمطالعه بپردازد؛ اینکه علل مهاجرت را تک‌خطی نبیند و همچنین فرصت ابراز نظر به کسانی که در پژوهش‌های قبل به آن‌ها پرداخته نشده احساس می‌شد؛ چراکه ارزش‌های سنتی اجتماعات روستایی با منطق سادگی و بی‌پیرایگی در مقایسه با فرهنگ شهری رنگ باخته است؛ مهاجرت به‌عنوان پیامد مهم آن ظاهر شده است؛ روستاها از نیروی کار جوان برای فعالیت کشاورزی خالی شده‌اند و کارآفرینی و توسعهٔ پایدار روستایی با محوریت کشاورزی دچار رکود شده است. بررسی پیشینهٔ پژوهش‌ها نشان می‌دهد که تاکنون پژوهشی که به روایت، تجربه، موقعیت، پیامد و داستان زندگی افرادی نپرداخته است که خود به طور مستقیم پدیدهٔ مهاجرت و حاشیه‌نشینی را تجربه کرده‌اند؛ بنابراین این پژوهش درصدد آن است که با رویکردی کیفی به این پدیده بپردازد و فرصتی را برای شنیدن نظر و تجربهٔ زیسته افراد مهاجر ساکن در حاشیه شیراز فراهم کند.

۲. ۲. چارچوب نظری تحقیق[۱]

اولین شخصی که سعی کرد مکانیزم مهاجرت را براساس اصول کلی موجود در رویکرد کارکردگرایی بیان کند، اِرنست گئورگ راونشتاین[۲] (۱۸۸۵) بود. او طی بررسی‌های مختلف درباره جریان‌های مهاجرتی انگلستان که براساس سرشماری‌های ۱۸۷۱ و ۱۸۸۱ انجام داد، قوانین جذب و دفع را مطرح کرد (ایمان، ۱۳٦۸، ص. ۳۲)؛ یعنی عوامل نامساعد اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فیزیکی باعث دوری مردم از محل سکونت خود می‌شوند و برعکس آن‌ها را به نقطه‌ای که از این نظر شرایط مساعدی دارد، جذب می‌کند. نظریات راونشتاین را می‌توان در هفت فرض اساسی خلاصه کرد: ۱. نرخ مهاجرت بین دو نقطه، ارتباط معکوسی با فاصلهٔ بین دو نقطه دارد، ۲. به طور طبیعی در جریان مهاجرت، افراد محلی مایل‌اند ابتدا به شهرهای نزدیک و سرانجام به سوی شهرهایی مهاجرت کنند که به‌سرعت رشد می‌کنند، ۳. هر جریان عمدهٔ مهاجرت یک ضدِّ جریان جبران‌کننده را به وجود می‌آورد، ٤. افراد بومی شهرها کمتر از آن‌هایی که در قسمت‌های روستایی کشور هستند، مهاجرت می‌کنند، ٥. جریان‌های مهاجرت در طول زمان درنتیجهٔ افزایش امکانات جابه‌جایی و توسعهٔ صنعت و تجارت، ماهیتاً رو به افزایش‌اند، ٦. قوانین بد و ظالمانه، مالیات‌های سنگین، آب و هوای نامناسب، محیط‌های اجتماعی نامطبوع و حتی اجباری، تماماً در ایجاد جریان‌های مهاجرت مؤثر بودند و هنوز مؤثرند، ۷. در جایی که مسافت کوتاه باشد، زنان بیشتر از مردان مهاجرت می‌کنند (تودارو، ۱۳٦۷، ص. ۲۰).

دورتی سواین توماس[۳]، جامعه‌شناس و اقتصاددان، در نظریهٔ جاذبه و دافعهٔ خود بر نبود تعادل اقتصادی-اجتماعی بین مبدأ و مقصد مهاجرت تأکید دارد. او بر این نظر است که

---

۱. ازآنجاکه این پژوهش از جنس تحقیقات کیفی است و روایت مشارکت‌کنندگان مبنای واقعیت اجتماعی در نظر گرفته شده است، ذکر نظریات مرتبط در این بخش به دلیل حساسیت نظری و روشن‌تر کردن مسیر پیش روی محققان بوده است، نه تدوین چارچوب نظری و اخذ فرضیات.

2. Ernst Georg Ravenstein
3. Dorothy Swain Thomas

وضعیت نامطلوب اجتماعی و اقتصادی در مبدأ از یک سو و وضعیت مطلوب اجتماعی- اقتصادی در مقصد از سوی دیگر موجب می‌شود که جریان مهاجرت از مبدأ به مقصد شکل بگیرد و تا زمانی که این نبود تعادل برطرف نشود، روند مهاجرت ادامه خواهد یافت؛ به بیان دیگر، این نظریه بر وجود فرصت‌های شغلی، اشتغال و فرصتهای مطلوب زندگی اجتماعی و اقتصادی در مقصد، به‌عنوان جاذبه و فقر و بیکاری و وضعیت نامطلوب در مبدأ به‌عنوان دافعه تأکید دارد (زرقانی و همکاران، ۱۳۹۵، ص. ۱۳۲).

اورت اس. لی[1] در سال ۱۹٦٦ با نقد نظریات راونشتاین، نظریهٔ جدیدی در این زمینه ارائه داد. او چهار عامل را در تصمیم‌گیری برای مهاجرت مؤثر دانست که عبارت‌اند از: ۱. عوامل مرتبط با منطقهٔ مبدأ مهاجرت؛ ۲. عوامل مرتبط با منطقهٔ مقصد مهاجرت؛ ۳. عوامل دخالت کننده؛ ٤. عوامل شخصی (تودارو، ۱۳٦۷، ص. ۲۲). لی در عین دقت و تفصیلی که در تفکیک منشأ عوامل مؤثر در تصمیم‌گیری‌های مهاجرتی داشت، نیروهای دافعه را به روستا و جاذبه را به شهر محدود نکرد و در هر مورد به عوامل دافعه، جاذبه و خنثی اشاره کرد. در هر منطقه عوامل متعددی در جذب افراد در آن منطقه مؤثرند و همچنین عوامل دیگری موجب دفع افراد از آن منطقه می‌شوند و عوامل دیگری هم برای افراد ضرورتاً خنثی هستند. یک نظام آموزشی خوب ممکن است جزو عوامل مثبت برای کودکان و نوجوانان و عاملی منفی برای شهروندانی باشد که فاقد فرزند هستند؛ چراکه به دلیل تحصیل، مالیات زیادی دریافت می‌شود؛ درحالی‌که برای مرد مجرد فاقد دارایی مشمول مالیات، در این حالت بی‌تفاوت و خنثی محسوب می‌شود (لهسایی‌زاده، ۱۳٦۸، ص. ٦۱)؛ به عبارت دیگر، عوامل مؤثر بر جاذبه و دافعه برحسب خصوصیات زمینه‌ای افراد شکل متفاوتی به خود می‌گیرد و برای تبیین تفاوت‌ها، لی از مفهوم «موانع مداخله‌گر» بهره گرفته است. به نظر لی، برخی از این موانع می‌توانند اثر کمی بر مهاجرت داشته باشند و رفع‌شدنی هستند و برخی دیگر دارای اثرات کلی‌اند و رفع‌شدنی نیستند. در همین راستا موانع مداخله‌گر نیز می‌توانند

1. Everett S. Lee

برحسب زمینهٔ اجتماعی اثرات متفاوتی بر افراد داشته باشند و آنچه را برای یک فـرد عامـل جاذبه یا مانع جزئی باشد، برای افراد دیگر به عامل دافعه و مانع کلی (مانند هزینهٔ حمل‌ونقل برای فردی ثروتمند و فردی تنگدست) تبدیل کنند (تودارو، ۱۳٦۷، ص. ۲۲).

۳. روش تحقیق

این پژوهش در قالب روش‌شناسی کیفی و با راهبرد روایت‌پژوهـی[1] انجـام شـده اسـت. شیوه نمونه‌گیری هدفمند بود. جامعهٔ بررسی‌شده در پژوهش کیفی حاضر، مهاجران روستایی ساکن در شهرک جوادیه و شهرک سعدی شیراز بودند که از منطقه کامفیروز مهاجرت کردند. برای انتخاب نمونه، قاعدهٔ اشباع[2] و نمونه‌گیری نظری[3] مد نظر قرار گرفته است (مـایکوت و مورهاوس، ۱۹۹٤، ص. ٦۳)؛ به این صورت که بعـد از انجـام تعـدادی مصـاحبه، داده‌هـای گردآوری به میزانی شد که نیازی به گردآوری داده‌های جدید احساس نشد. شیوهٔ عمـل نیـز به روش تاریخ شفاهی بود و برای گردآوری داده‌ها، تأملات شخصی سرپرستان خانواری که با چالش مهاجرت درگیر بودند، بررسی شـد. بـرای گـردآوری داده‌هـای پـژوهش، از روش مصاحبه استفاده شد. مصاحبه‌ها با رویکرد اکتشافی و به‌صورت نیمه‌ساختاریافته در نیمه اول سال ۱٤۰۱ (به مدت شش ماه) در سکونتگاه‌های این افراد انجام شد. دسترسی به نمونه‌ها با معرفی برخی از مشارکت‌کنندگان و همچنین معرفی نزدیکان آن‌ها که در روستا ساکن بودند، انجام شد. مصاحبهٔ روایی روشی برای جمع‌آوری اطلاعات مربوط به جوهره ذهنـی زنـدگی شخص است. این تکنیک، روشی برای نگاه به کل زندگی و راهی برای انجام تحقیق عمیـق دربارهٔ زندگی افراد محسوب می‌شود (اتکینسون، ۱۳۸٤، ص. ۲٤۱). در این پژوهش به جای تحلیل داده‌ها برای کشف ویژگی‌ها و ابعاد، به عمل یا تعامل پرداخته شد و آن نیز در بسـتر زمان بررسی شد تا چگونگی تغییر این عمل به همان حال باقی بماند (اشترواس و کـوربین،

1. Narrative Inquiry
2. Saturation
3. Theoretical Sampling

۱۳۹۱، ص. ۱۸۳). در تحلیل روایت‌پژوهانه، پژوهشگر توصیفات رویدادها یا اتفاقات را گردآوری می‌کند و آن‌ها را با استفاده از یک پیرنگ به‌صورت یک داستان ارائه می‌دهد. یک تعریف ایجابی و حداقلی از روایت، آن را توالی غیرتصادفی رخدادها و حوادث در یک زنجیرهٔ زمانی می‌داند (طلوعی و خالق‌پناه، ۱۳۸۷، ص. ٤٥). در این روش، «زندگی به منزلهٔ روایت درنظر گرفته می‌شود تا بتوان برساخت[1] روایی واقعیت را بدون استفاده از رویه‌های گردآوری داده‌ها که مشخصاً به دنبال دستیابی به روایت‌ها هستند، تحلیل کرد» (برونر به نقل از فلیک، ١٤٠١، ص. ٣٦٨). این تحلیل کمک می‌کند تا پیشینهٔ زندگی این افراد و عوامل منجر به مهاجرتشان شناسایی شود و درنهایت مدل فرایندی استخراج شود. درواقع در تحلیل روایت‌پژوهانه در تحقیق حاضر، پژوهشگران به دنبال تبیین این موضوع هستند که چه فرایندی در زندگی کنشگران زن و مرد شرکت‌کننده در این مطالعه رخ داده است که روستا را ترک کرده‌اند و اکنون جذب حاشیهٔ شهر شده‌اند؟ این روایت‌ها در مقام روش، از تجربه-های افراد آغاز شده است و در داستان‌های زیست‌شده و نقل‌شده از سوی آن‌ها بررسی‌شدنی است (کرسول، ١٤٠٠، ص. ٧٤).

در این پژوهش، به منظور تأیید اعتبار یافته‌های تحیق چند راهبرد به کار گرفته شد که عبارت‌اند از: مشارکت بلندمدت (به دلیل سکونت خویشاوندان پژوهشگر در حاشیهٔ شهر، وی ارتباط نزدیکی با مشارکت‌کنندگان داشت و با محیط زندگی آنها کاملاً آشنا بود)؛ توصیف پرمایه و غنی (در گزارش نهایی و تحلیل یافته‌ها به میزان کافی به فضای زمینه‌ای موردمطالعه و ویژگی مشارکت‌کنندگان پرداخته شد)؛ استفاده از ممیزان بیرونی (از نظرات تعدادی از اساتید دانشگاهی به منظور فرایند و یافته‌های تحقیق بهره گرفته شد).

جدول ۲. معرفی نمونه‌های پژوهش

ردیف	نام[1]	سن	تحصیلات	وضعیت تأهل
۱	زهرا	٦٥	دبستان	بیوه
۲	حسین‌علی	۷۰	دبستان	متأهل
۳	رضا	۳۵	لیسانس	متأهل
٤	نسرین	۳۱	سیکل	متأهل
٥	الناز	۳٤	فوق لیسانس	مجرد
٦	عبداله	٥۲	دبستان	متأهل
۷	حسین	٤۹	لیسانس	متأهل
۸	سعید	٤۳	سیکل	متأهل
۹	مهدی	۳۷	دیپلم	متأهل
۱۰	علی	٥۷	لیسانس	متأهل
۱۱	رضا	٤٥	دیپلم	متأهل
۱۲	احمدعلی	۳۷	لیسانس	متأهل
۱۳	اسماعیل	٥۱	دیپلم	متأهل
۱٤	صادق	٦۳	دبستان	متأهل
۱٥	مصطفی	٥۰	دیپلم	متأهل
۱٦	زرین‌تاج	٤٤	دیپلم	متأهل
۱۷	بهرام	٥۳	لیسانس	متأهل
۱۸	احمد	٤۸	دبستان	متأهل
۱۹	محسن	۳۹	سیکل	متأهل
۲۰	رمضان	٤٥	سیکل	متأهل
۲۱	علی	٥۷	سیکل	متأهل
۲۲	قربان	٥٦	سیکل	متأهل

۱. به دلیل حفظ و حریم شخصی شرکت‌کنندگان در این پژوهش، از نام‌های مستعار استفاده شد.

٤. یافته‌های تحقیق

در این پژوهش، مصاحبه‌هایی نیمه‌ساختاریافته با ۲۲ نفر مبتنی بر راهنمای محقق‌ساخته صورت گرفت که ۱۷ نفر از مصاحبه‌شوندگان مرد و ٥ نفر زن بودند. براساس جدول ۲، ٥٠ درصد از مشارکت‌کنندگان حداکثر تا سیکل و ۲۳ درصد تا مقطع دیپلم تحصیل کرده بودند و ۲۷ درصد از آنان تحصیلاتی در مقاطع کارشناسی و بیشتر داشتند. میانگین سنی مشارکت‌کنندگان نیز ٤٨ سال بود. همچنین در این بخش، پس از مشخص شدن عوامل علّی و زمینه‌ساز، مدل‌های فرایندی مهاجرت از روستا و سکنی‌گزینی در شهرک‌های جوادیه و سعدی شیراز که از مصاحبه‌ها استخراج شدند و انتزاع و ترکیبی از فرایند هر مصاحبه بودند، ترسیم شد که عبارت‌اند از: ۱. مدل خانواده‌های مهاجر دارای فقر اقتصادی؛ ۲. مدل خانواده‌هایی که دچار دگرگونی ارزشی-هنجاری شده‌اند؛ ۳. مدل زمین‌داران روستایی ساکن در حاشیهٔ شهر؛ ٤. مدل خانواده‌های علاقه‌مند به کار و تلاش دائمی (فرهنگ کار)؛ بنابراین عوامل جذب مقصد و دفع مبدأ را در هریک از مدل‌ها بیان می‌کنیم.

۱. مدل خانواده‌های مهاجر دارای فقر اقتصادی: بررسی و تحلیل روایت مشارکت‌کنندگان حاکی از این است که بعد از اصلاحات ارضی، به دلیل محروم‌شدن خوش‌نشینان از زمین کشاورزی، از لحاظ اقتصادی وضعیت مناسبی در روستای محل زندگی خود نداشتند و اغلب به کارهای روزمزدی و کارگری برای روستاییان صاحب‌زمین مشغول بودند. وضعیت بد اقتصادی، کار طاقت‌فرسا، نداشتن شغل ثابت و دائمی، تضاد طبقاتی بین فقیر و غنی و احساس بی‌قدرتی و طرد اجتماعی در روستا از عوامل مهم دافعه این قشر بودند.

«پدر بزرگم موقع اصلاحات ارضی بهش زمین ندادن و گفتن تو خوش‌نشینی. خب پدرم هی آدم ضعیفی بود تو ده. پدر بیچاره‌ام هم ما را با بدبختی و مکافات بزرگ کرد. خودش هم خیری از این دنیا ندید. من هم تو ده فقط کارگری مردم رو می‌کردم. افراد مایه‌دار ده فکر می‌کردن من برده‌شون هستم. مزد کارگری‌ام رو هم باید با زور می‌گرفتم. اصلاً فکر نمی‌کردن که زن و بچه دارم. حدود پنج شش ماه از سال هم کار نبود. از این وضعیت خسته

شده بودم، دیگه ده جای من نبود. اینجا دیگه می‌دونم شهرداری سر وقت حقوقم را مـی‌ده». (مهدی ۳۷ ساله).

«تو روستا اطرافیان به حسابمون نمی‌آوردن. منبع درآمدی نداشتیم، زمین کـه هـیچ. فقـط چند تا گوسفند و بیشتر مواقع کارگری کردن. دقیقاً حس می‌کردم که با چشم تحقیـر باهـام برخورد می‌شه. من آدم نیازمند و فقیری بودم که فقط بـه درد حمـالی کـردن بـرای دیگـران می‌خوردم و از این موضوع همیشه ناراحت بودم و عذاب می‌کشیدم و باید خودم و خانواده-ام را از این وضعیت نجات می‌دادم». (احمد ٤٨ ساله).

«هفت هشت ساله که بودم پدرم فوت کرد و در وضعیت خیلـی بـد مـالی بـزرگ شـدم. مادرم به تنهایی و کار کردن برای این و اون خرج زندگی‌مـون رو درمـی‌آورد. امکـان ادامـه تحصیل بعد از سوم راهنمایی رو نداشتم و با اینکه درسم خوب بود، ترک تحصیل کردم. به مادرم در قالی‌بافی کمک می‌کردم تا اموراتمون بگذره. از شانس بدم با یکی بدتر از خودمون از نظر مالی ازدواج کردم. خانواده همسرم هم در سطح خودمون بودن. بعد از ازدواج چـون تو روستا درآمدی نداشتیم، سریع اومدیم شهرک سعدی و اینجا یه خونه کرایه کردیم. قیمت اجاره‌خونه به نسبت جاهای دیگه پایینه. همسرم تو میدون تره‌بار کار می‌کنه و خودم هم تـو خونه نمی‌تونم بیکار باشم و قالی‌بافی می‌کنم» (نسرین ۳۱ ساله).

از دیدگاه این گروه از مهاجران از جاذبه‌های شهر شیراز می‌توان به داشتن شغل پایدار و راحت نام برد و اینکه دیگر اعضای خانواده ازجمله همسر هم می‌توانند شغل خدماتی داشته باشد. همچنین به‌عنوان یک غریبه در شهر کسی از وضعیت اقتصادی‌شان باخبر نیسـت و بـا تحقیر به آن‌ها نمی‌نگرد:

«اینجا که اومدیم خیلی راحتیم؛ هم خودم کار دائم و راحـت دارم و هـم خـانمم مـی‌ره داخل شهر و برای یک خانواده ثروتمند آشپزی می‌کنه و حقوق خوبی هـم مـی‌گیـره. اینجـا کسی نمی‌دونه ما چه کاری انجام می‌دیم. وضعمون خوبه یا بده کسی تو زندگی‌مـون سـرک نمی‌کشه. اگر تو ده بودیم خانم من نمی‌تونست بره به‌صورت دائم آشپزی کنه؛ چـون اونجـا

این کار رو عیب و عار می‌دونن، ولی اینجا همسایه‌مون هم نمی‌دونه که ما چکاره‌ایم و...» (مهدی، ۳۷ ساله).

۲. مدل خانواده‌هایی که دچار دگرگونی ارزشی-هنجاری شده‌اند: تحلیل مصاحبه‌ها با مشارکت‌کنندگان حاکی از این است که امروزه به دلیل گسترش رسانه‌های جمعی (اینستاگرام، واتساپ و...)، گسترش ارتباط شهر و روستا و نیز مهاجرت بسیاری از روستاییان ساکن در شهر، امکان آشنایی با مظاهر زندگی شهری، ترویج الگوهای زندگی شهری در روستا و تغییر وجهه نظر و الگوهای رفتاری روستاییان فراهم شده است. یکی از پیامدهای چنین وضعی این است که تمایل به شهری بودن و مهاجرت بین دختران و زنان روستایی افزایش پیدا کرده است. با توجه به تحلیل مصاحبه‌ها، زنان، پسران و دختران جوان روستایی با مشاهدهٔ جلوه‌هایی از زندگی دختران و زنان شهرنشین و مقایسه خود با آن‌ها به تفاوت‌های موجود پی می‌برند و سعی می‌کنند که با پیروی از نحوه زندگی آن‌ها تفاوت‌ها را کاهش دهند. درواقع بسیاری از دختران، پسران و زنان جوان روستایی از اینکه روستایی هستند، احساس خوبی ندارند و تا زمانی که در روستا به سر می‌برند، سعی می‌کنند مانند یک فرد شهرنشین رفتار کنند. به باور مصاحبه‌شوندگان، مهاجرت به شهر تنها راهی است که امکان برخورداری از این شیوه را فراهم کرده است؛ البته اصرار همسر و فرزندان به دلیل تمایل به سبک زندگی شهری نقش اصلی را در این مهاجرت داشته است. به‌طورکلی می‌توان گفت که جاذبه‌های شهر شیراز از دیدگاه مهاجران، فراهم بودن امکانات برای پیشرفت شغلی و علمی، نداشتن محدودیت‌های روستا، باز بودن فضای رفت‌وآمد با شبکهٔ خویشاوندان و وجود امکانات خدماتی و رفاهی بیشتر در شیراز است. ازجملهٔ این امکانات می‌توان به بیمارستان، پارک‌ها، مراکز خرید، دانشگاه و مراکز آموزشی اشاره کرد:

«من از بچگی تا موقع ازدواج در روستا زندگی کردم. از همون موقع هم جو روستا را برای زندگی کردن نمی‌پسندیدم. معتقد بودم که روستا خیلی محدودیت داره و جایی برای پیشرفت نیست. اونجا هر لحظه تو دید مردم هستی و مدام کنترل می‌شی و خیلیا تو زندگیت

سرک می‌کشن که کجاها رفت وآمد می‌کنی. بعد از ازدواج، همسرم را قانع کردم که بیایم داخل شهر و قبول کرد. امکانات رفاهی شهر رو نمی‌شه با روستا مقایسه کنی». (زرین تاج ٤٤ ساله)

«اقوام ما خیلیاشون در شهر زندگی می‌کنن. اون وقتا که ما در ده بودیم و هر از گاهی برای خرید یا کارای دیگه به شهر می‌یومدیم، به خونه آشناها می‌رفتیم. اونا از امکانات و رفاه شهر برای ما تعریف می‌کردن و به ما می‌گفتن که شما هم روستا را رها کنید و بیاید داخل شهر. برای من دل کندن از محیط روستا سخت بود. من واقعاً عاشق طبیعت و خلق و خوی مردم روستا بودم و هستم، اما چه کنم که فشار همسر و فرزندانم منو به اینجا کشونده». (عبداله ۵۲ ساله)

مبدأ مهاجرت به‌طور حتم دارای دافعه‌هایی بوده که افراد را به مهاجرت مجبور کرده است. مشارکت‌کنندگان از نظارت جمعی شدید در روستا و نقض حریم زندگی خصوصی توسط بعضی از افراد ساکن در روستا یاد می‌کنند. نبود امکانات رفاهی و آموزشی خوب برای ادامه تحصیل فرزندان از دیگر عوامل تأثیرگذار برای دافعۀ این گروه است.

۳. مدل زمین‌داران روستایی ساکن در حاشیه شهر: مصاحبه‌شوندگانی که طبق این فرایند به حاشیه شهر مهاجرت کرده‌اند، از نظر اقتصادی وضعیت خوبی دارند و بیشتر با فشار فرزندان در مرکز شهر ساکن شده‌اند. آن‌ها پس از مدت کوتاهی از زندگی در مرکز شهر خسته و دلزده شده‌اند و به دلخواه خودشان سکونت در حاشیۀ شهر را انتخاب کرده‌اند. این گروه، شهرنشینان را افراد زیادی‌خواه، حسابگر، وقت‌شناس، تندخو، غیراحساساتی و بدون حس خویشاوندی و بی‌تفاوت می‌بینند که فقط به دنبال رفاه، مصرف و تجمل‌گرایی هستند. آن‌ها می‌گویند که از آب و هوای آلوده و شلوغی و سروصدای شهر احساس خفگی و خستگی داشتند و به دنبال فرار از این وضعیت بودند که حاشیه شهر را انتخاب کرده‌اند. عصبی و پرخاشگربودن مردم کلان‌شهر نیز عاملی است که سبب شده است مهاجران از زندگی خود در کلان‌شهر شیراز چندان راضی نباشند. به نظر می‌رسد که مشکلات اقتصادی و اجتماعی در

به وجود آمدن و تشدید این پدیده مؤثر است و احتمالاً به کلان‌شهر شیراز منحصر نباشد. می‌توان گفت که میزان دلبستگی فرد مهاجر به الگوی زندگی مبدأ (اعم از زبان، لهجه، آداب و رسوم و دلبستگی‌های خویشاوندی) و نارضایتی از زندگی در مرکز شهر، در وجهه نظر فرد درباره نقل مکان به حاشیهٔ شهر که با ساختار و بافت مبدأ همخوانی بیشتری دارد، برای این افراد چاره‌ساز بود.

«من خدا رو شکر از نظر مالی مشکلی ندارم. از زمانی که بچه‌ها گفتن تو ده امکانات نیست برای تحصیلشون، تو شهر خونه خریدم و اومدن داخل شهر. درس خوندند، سواد دارشدند، شرکت‌دار شدند، اما تو کار کشاورزی نه علاقه‌ای نشون دادن و نه به من کمک کردند. من هم دست‌تنها شده بودم و موقعی که بی‌تفاوتی بچه‌ها را دیدم، تمام زمین‌ها را دادم اجاره و اومدم معالی‌آباد پیش بچه‌ها، اما بعد از چند ماه که اونجا بودم، از محل زندگیم خسته شدم. آدم‌های اونجا بی‌احساس و بی‌تفاوت به هم بودن و برخورداشون خشک و سرد بود نمی‌دونم شایدم به خاطر فشار زندگی بود. خلاصه اومدم جوادیه یه خونهٔ حیاط‌دار خریدم و الآن هشت نه سال هست اینجا ساکن هستم». (صادق ٦٣ ساله)

«خونه‌هایی که داشتم تو خیابون پاسداران هست. و الآن هم دادمش کرایه، اما من چون روستایی بودم حقیقتاً نتونستم اونجا بمونم؛ احساس خفگی می‌کردم، رفتار مردم اونجا سرد و خشک بود. به نظر خودم که مردم اونجا خیلی عصبی بودن، نمی‌شد باهاشون صمیمی بشی و سرشون تو لاک خودشون بود. من اونجا خیلی احساس غربت می‌کردم با پرس‌وجو کردن اومدم جوادیه یه منزل بزرگ سه طبقه گرفتم و اومدیم اینجا. خیلی راحتیم الآن. مردم اینجا مثل خود ما فرهنگشون روستایی هست، اهل تکبر نیستن در گفتارشون صداقت دارن، اهل بگو و بخند و خلاصه خیلی صمیمی و خوش‌قلب هستن». (حسین‌علی ۷۰ ساله)

ازجمله عوامل دافعه برای این گروه متمول روستایی می‌توان به این موضوع اشاره کرد که در محیط روستا وسایل و امکانات رفاهی متناسب با وضعیت اقتصادی این افراد وجود ندارد. این افراد که فعالیت گستردهٔ کشاورزی در روستا دارند، از مدت‌ها قبل فرزندانشان به

بهانه تحصیل و کار عازم شهر شده‌اند، زمین و کار در روستا را رها کرده‌اند، در شهر زندگی می‌کنند؛ آن‌ها را در فعالیت کشاورزی یاری نمی‌کنند و فقط به فصل برداشت محصول کشاورزی پدر چشم دوخته‌اند. در این وضعیت، سرپرست خانوار میل و انگیزه کار و فعالیت کشاورزی و سکونت در روستا را از دست داده؛ به‌ناچار زمین‌های کشاورزی خود را به‌صورت اجاره‌ای به ساکنان روستا واگذار کرده و خود نیز در مرکز شهر به فرزندانش ملحق شده است.

٤. مدل خانواده‌های علاقه‌مند به کار و تلاش دائمی (فرهنگ کار): این گروه از خانواده‌ها وضعیت مالی نسبتاً خوبی دارند و به کار و تلاش هر روزه علاقه دارند و معتقدند که میزان دستیابی به مزایا و امکانات اقتصادی و اجتماعی نظیر احترام، دستمزد زیاد و منزلت اجتماعی از طریق انجام کار مفید و مولد است. بدیهی است که ارزش کار افراد در اثر تعامل با محیط و قرار گرفتن افراد در فرایند اجتماعی شدن تعیین و درونی می‌شود؛ به‌عبارت دیگر، توانمندی‌ها و مؤثر بودن فرد در مجموعه و سازمانی که کار انجام می‌دهد، ارزشمند تلقی می‌شود، نه در محیط روستا که به‌صورت انفرادی به فعالیت کشاورزی می‌پردازد. از دیدگاه این گروه، این امر فقط در مهاجرت به شهر و قرار گرفتن در محیط بزرگ‌تر امکان‌پذیر بود. ازآنجاکه بیشتر شرکت‌های تولیدی و صنعتی در حاشیه شیراز مستقرند، این خانواده‌ها سکونت در حاشیهٔ شهر را به دلیل نزدیکی به محل کار انتخاب کرده‌اند و جذب حاشیه شدند. کار کردن در این خانواده‌ها ارزش تلقی می‌شود و به‌صورت فرهنگ درآمده است. از طرفی فرد در روستای محل زندگی (مبدأ) شش ماه از سال را بیکار است؛ بنابراین با اجاره دادن زمین کشاورزی به اَشکال مختلف، به حاشیهٔ شهر مهاجرت کرده‌اند.

«وضعیت مالی خانوادهٔ ما بد نیست، اما من نمی‌تونستم تو ده شش ماه از سال دست رو دست بذارم و بیکار باشم. از بیکاری کلافه می‌شدم. کاری که اینجا دارم، منظم هست. سر ساعت میرم سر کار و سر ساعت هم میام خونه. همیشه دوست داشتم در جمع کار کنم و ارزش کارم را دیگران ببینند. در روستا اما این‌طور نبود». (بهرام ۵۳ ساله)

«من می‌تونستم تو روستا بمونم و درآمد خوبی هم از کشاورزی داشته باشم، اما نموندم. آدم تو جمع کار کنه، از نظر فرهنگی و اجتماعی رشد می‌کنه. معنی نظم و قانون را اینجا متوجه شدم. اینجا من دوستای خوبی تو شرکت پیدا کردم و از کار کردن پیش دوستام اصلاً خسته نمی‌شم». (مصطفی ۵۰ ساله)

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

با توجه به مدل‌های فرایندی به‌دست‌آمده از روایت‌های روستاییان منطقه کامفیروز که به حاشیهٔ شهر شیراز مهاجرت کرده‌اند، راجع به دفع از مبدأ و جذب در مقصد این‌گونه مهاجران داری فقر اقتصادی می‌توان گفت که کشاورزی سنتی که در آن سرمایه‌گذاری ناچیز و امر زراعت بیشتر کاربر بود که جای خود را به کشاورزی سرمایه‌بر داد. نتیجه این شد که مزدوری در روستا غلبه پیدا کرد و این امر در وجهه نظر متفاوتی که قبلاً بین خوش‌نشینان و دهقانان وجود داشت، مؤثر واقع شد؛ قشر خوش‌نشین پایگاه کارگری پیدا کرد و خوش‌نشینان نه‌تنها توسط دهقانان مرفه و سرمایه‌داران روستایی استثمار می‌شدند، بلکه سوداگران ده نیز از آنان بهره‌کشی می‌کردند. این قشر کمتر اقبال پیدا کردند که در کارهای فنی و اداری در روستا یا خارج از روستا جذب شوند. طرد کردن قشر خوش‌نشین در برنامه‌های توسعهٔ روستایی احساس بیگانگی اجتماعی، پوچی، انزوا و سرخوردگی را در این طبقه تقویت کرده است. فرزندان این قشر سالخوردهٔ امروزی که امیدی به بهبود زندگی خود در روستا نمی‌دیدند و درعمل شاهد تضاد طبقاتی بین فقیر و غنی در روستا بودند، علاقهٔ خود به محیط روستا را از دست دادند و با درماندگی محیط روستا را ترک کردند. ازآنجاکه سکونت در مرکز شهر به علت هزینه زیاد برای آن‌ها مقدور نیست و از طرفی اقوام و آشنایان در حاشیهٔ شهر سکنی گزیده‌اند، حاشیهٔ شهر مکان مناسبی برای این قشر فقیر روستایی است و غالب این گروه جذب کارهای خدماتی و صنایع ساختمانی شده‌اند که در پیرامون شهر پراکنده هستند. این مدل با نظریه دورتی سواین توماس همخوانی دارد؛ چراکه

تأکید وی بر نبود تعادل اقتصادی-اجتماعی بین مبدأ و مقصد مهاجرت است و تا زمانی که این نبود توازن برطرف نشود، روند مهاجرت ادامه خواهد یافت (زرقانی و همکاران، ۱۳۹۵، ص. ۱۳۲).

در مدل مهاجرت خانواده‌هایی که دچار دگرگونی ارزشی-هنجاری شده‌اند، برخی از اندیشمندان به بررسی پدیده‌هایی مانند شکاف نسلی، تغییر سبک زندگی و دگرگونی ارزش-ها پرداخته‌اند؛ برای نمونه، اینگلهارت (۱٤۰۰) در نظریهٔ تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی براساس دو فرضیه کمیابی و اجتماعی‌شدن، عوامل مؤثر بر شکاف نسلی در دهه ۱۹٦۰ میلادی در جامعه اروپا و دگرگونی ارزش‌ها و جایگزینی ارزش‌های فرامادی به جای مادی را در میان نسل جوان تبیین کرد. پی‌یر بوردیو نیز بنیان نظری محکمی برای تحلیل پدیده مصرف و سبک زندگی پدید آورد (جنکینز، ۱۳۹٦). تحلیل بوردیو درباره سبک زندگی بر سرمایه فرهنگی مبتنی است و وی در نظریه تمایز خود، تأثیر سرمایه فرهنگی بر مصرف، فعالیت و سبک زندگی فرهنگی افراد را تبیین کرده است.

وقتی در جامعه‌ای، شهری بودن و زندگی در شهر از ارزش بیشتری برخوردار باشد، مسلماً هر فردی که از آن پیروی نکند، با نوعی تحقیر از سوی دیگران روبه‌روست و برای رهایی از این تحقیر، از آنچه برای اکثریت جامعه ارزش است، پیروی می‌کند. فردی که به دلیل روستایی بودن و زندگی در روستا از سوی دوستان شهرنشین خود تمسخر می‌شود، برای تغییر محل اقامت دائم و سبک زندگی خود تلاش می‌کند. در چنین وضعیتی نمی‌توان از این فرد انتظار داشت که در مزرعه به کار کشاورزی بپردازد. دلایل ظهور پدیده مذکور به نوعی درهم‌تنیده است و هرکدام در شرایط خاص خود و با وجود ارتباط با مؤلفه‌های دیگر درک‌شدنی است که این نتایج با نتایج پژوهش سینگ و میشرا[1] (۲۰۱۳) در هند همخوانی دارد؛ ازاین‌رو شایسته است که احترام به جامعه روستایی و فرهنگ روستا به ارزش تبدیل

1. Singh & Mishra

شود که خود نیازمند فعالیت‌های فرهنگی در راستای دگرگونی نگرش افـراد جامعـه دربـاره این موضوع است.

همان‌طورکه از یافته‌های پژوهش مشخص است، مهاجران در مبدأ با دافعه‌ها و در مقصد با جاذبه‌هایی روبه‌رو هستند و براساس عوامل دفع، عزم حرکـت از مبـدأ بـه سـمت مقصـد می‌کنند. بررسی واکاوی ذهنی مشارکت‌کنندگان در پژوهش کیفی حاضر بیانگر ایـن مطلـب است که فقدان توسعه‌یافتگی در مبدأ سبب شده است که عوامل دافعه‌ای همچـون بیکـاری، وضعیت نامطلوب اقتصادی، فقر، نبود امکانـات رفـاهی و آموزشـی گریبـانگیر افـراد شـود؛ درنتیجه آن‌ها به سمت و سوی مناطق توسعه‌یافته‌تر که امکان به دست آوردن شغل پایدار در آنجا بیشتر است، مهاجرت کنند. چنین یافتـه‌ای بـا مطالعـات قاسـمی اردهـایی و همکـاران (۱۳۹٦) و اکبری (۱۳۹۹) همخوانی دارد. براساس مدل فرایندی مهاجرت افراد زمـین‌دار بـه حاشیه شهر که طبق روایت تجربه زیست‌شده به دست آمد، آنان پس از ورود به مرکز شـهر با نهادها و قواعد اجتماعی متفاوتی برخورد می‌کنند. این افراد تا زمانی که در روستا بوده‌اند، عادت‌واره‌های مناسب با میدان‌های مختلف روسـتایی در خـوی و خصلتشـان درونـی شـده است، اما هنگامی که پا در محیط متفاوت شهر می‌گذارند، با عادت‌واره‌های جدید شهری که قبلاً آن‌ها را تجربه نکرده‌اند، روبه‌رو می‌شوند؛ به دلیل اینکه نمی‌توانند خُلقیـات شهرنشـینان را تحمل کنند و برای برون‌رفت از این وضعیت به دنبال چاره می‌گردند و حاشیهٔ شهر را که فضایی شبیه ساختار و بافت روستا دارد، برای ادامـهٔ زنـدگی انتخـاب مـی‌کننـد. ایـن مـدل براساس نظریه «ساختار، کنش و عادت‌واره» پی‌یر بوردیو تبیین‌شدنی است (بوردیو، ۱۹۹۳). می‌توان گفت که این دسته از خانواده‌هـا از آن رو فشـار فرزنـدان را پذیرفتـه‌انـد کـه طبـق سلسله‌مراتب نیازهای مازلو به لحاظ مادی در رفاه بوده‌اند؛ بنابراین به نیازهای سـطح بالـاتر زندگی که فراهم کردن تسهیلات بیشتر و بهتر برای زنـدگی اسـت، توجـه کرده‌انـد (اُردن و اِکان، ۲۰۱۷).

در مدل چهارم که به خانواده‌های علاقه‌مند به کار و تلاش دائمی (فرهنگ کار) مربوط است، ازآنجاکه این خانواده‌ها وضعیت مالی نسبتاً خوبی دارند، ب دنبال دستیابی به مزایای اقتصادی و اجتماعی نظیر احترام و منزلت اجتماعی هستند. این مدل نیز با نظریه سلسله مراتب مازلو تبیین‌شدنی است؛ چراکه این دسته از خانواده‌ها به دلیل ارضای نیازهای اقتصادی‌شان به احترام و خودشکوفایی می‌اندیشند که این خودشکوفایی به کارکردن مستمر و تلاش بیشتر در زندگی می‌انجامد (ایران‌نژاد پاریزی، ۱۳۹۵).

به‌صورت مشخص می‌توان پیشنهاد داد که به‌واسطه تغییرات فرهنگی به‌وقوع‌پیوسته نیاز است که علاوه‌بر جنبه‌های اقتصادی و اجتماعی مهاجرت به عوامل فرهنگی و ارزشی در جذب و دفع مهاجران توجه بیشتر شود که با این امر با استفاده از تلفیق رویکردهای جامعه‌شناختی در مطالعات جمعیتی میسر می‌شود.

کتابنامه

۱. اتکینسون، ر. (۱۳۸٤). *راهنمای تحقیق مصاحبه‌ای (زمینه و پژوهش)* (معاونت پژوهشی دانشکده امام باقر، مترجم). تهران: دانشکده امام باقر.

۲. اشتراوس، آ. کوربین، ژ. (۱۳۹۱). *مبانی پژوهش کیفی (فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای)* (ا. افشار، مترجم). تهران: نشر نی.

۳. اکبرپور، م. (۱۳۹٦). واکاوی تأثیر شبکه‌های مهاجرت‌های روستایی بر کلانشهر کرج. *برنامه‌ریزی منطقه‌ای، ۷* (۲۷)، ۱۱۷–۱۳۲.

٤. اکبری، ی.، بوچانی، م.، و محمودیانی، س. (۱۳۹۹). دلایل و مسائل اجتماعی مرتبط با مهاجرت از دیدگاه مهاجران محلهٔ خلیج فارس شمالی تهران. *مطالعات جمعیتی*، ٦(۱)، ۱۲۹–۱٥٦.

٥. امانپور، س.، و امیری فهلیانی، م. (۱۳۹٤). تحلیلی بر تقابل مشکلات مهاجران در دو جامعه روستایی و شهری، *توسعه محلی (روستایی- شهری)*، *۷*(۲)، ۲۵۹–۲۷٦.

٦. ایران‌نژاد پاریزی، م. (۱۳۹۵). *مدیریت رفتار سازمانی در عصر جهانی‌شدن*. تهران: نشر مدیران.

۷. ایمان، م. (۱۳٦۸). مهاجرت در کشورهای جهان سوم. *مجله ادبیات دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد*، ۲۲ (۳)، ٦۳۳-٦٦۲.

۸. اینگلهارت، ر. (۱٤۰۰). *تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی* (م. وتر، مترجم) (چاپ سوم). تهران: نشر نی.

۹. آزاده منصوره، ا.، و زندی، ف. (۱۳۹۹). واکاوی درک نابرابری در زندگی قبل و بعد از مهاجرت. *مطالعات جمعیتی*، ٦ (۱)، ۹۱-۱۲۷.

۱۰. پناهی، ل.، و پیشرو، ح. (۱۳۹۰). بررسی عوامل مؤثر بر مهاجرت جوانان روستایی به شهر. *برنامه‌ریزی منطقه‌ای*، *۱* (۲)، ٤۱-۵۰.

۱۱. تودارو، م. (۱۳٦۷). *مهاجرت داخلی در کشورهای در حال توسعه، بررسی نظریه‌ها، مدارک، روش‌ها و اولویت‌های تحقیق* (سرمدی، م. و رئیسی‌فرد، پ. مترجمان). تهران: کار و تأمین اجتماعی.

۱۲. جعفرلو، ع. (۱۳۹۷). تحلیلی بر نقش مهاجرت در ایجاد آسیب‌های اجتماعی (مطالعه موردی شهر الوند در استان قزوین). *جغرافیا و روابط انسانی*، *۱* (۱)، ٤٤۵-٤٦۳.

۱۳. جمالی، ف. (۱۳۸۱). مهاجرت، شهرها و سازگاری مهاجران. *فصلنامه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز*، *٤۵*(۱۸۲)، ٦۱-۸۱.

۱٤. جنکینز، ر. (۱۳۹٦). پی‌یر بوردیو (ح. چاوشیان و ل. جوافشانی، مترجمان) (چاپ دوم). تهران: نشر نی.

۱۵. حیدری، ا.، رمضانی باصری، ع.، و عیسایی‌خوش، ک. (۱٤۰۰). واکاوی معنایی وضعیت تحولات و دگرگونی در کار اقتصادی زنان در مناطق روستایی. *روستا و توسعه*، *۲٤* (۹۵)، ۱۱۹-۱٤۱.

۱٦. خسروبیگی بزچلویی، ر.، و طیب‌نیا، ه. (۱۳۹٦). مهاجرت جوانان، به‌راستی مشکل کجاست؟ جوامع محلی و آینده‌نگری برای شکل‌دهی سکونتگاه‌های روستایی. *جغرافیا و توسعه*، *۱۵* (٤۹)، ۲٤۳-۲۷۲.

۱۷. رستمعلی‌زاده، و.، قاسمی‌اردهایی، ع.، و رستمی، ن. (۱۳۹۲). عوامل مؤثر بر ماندگاری جوانان روستایی، *پژوهش‌های روستایی*، *٤*(۳)، ۵٤-٦۹.

۱۸. رهنما، م.، احمیان، م.، و محمدیان، م. (۱۳۹۱). مدیریت شهری و ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی. *مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای*، (۱۸)، ٤٣-٧٤.

۱۹. زرقانی، ه.، غلامی، ی.، قنبری، م.، قیاسی، م.، و حسینی، م. (۱۳۹۵). تحلیلی بر توزیع فضایی مهاجران افغانستانی استان خراسان رضوی طی سال‌های ۱۳۸۲-۱۳۹۲ (طرح آمایش ۵-۹). *نشریه پژوهش و برنامه‌ریزی شهری*، *۷*(۲۷)، ۱۲۷-١٤٦.

۲۰. زنجانی، ح. (۱۳۹٤). *مهاجرت* (چاپ چهارم). تهران: انتشارت سمت.

۲۱. سعدی، ح.، بهرامی، ل.، و افشارکهن، ج. (۱۳۹۳). علل مهاجرت روستائیان در استان همدان. *مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد*، *۱۱*(۱)، ۵۳-۷۳.

۲۲. طالشی، م.، و شبنما، م. (۱۳۹٦). نقش عوامل اجتماعی و اقتصادی در مهاجرتهای روستایی-شهری. *فصلنامه علمی انجمن جغرافیای ایران*، *٥٤*(۱۵)، ٤٣-٦٠.

۲۳. طاهرخانی، م. (۱۳۸۰). تحلیلی بر عوامل مؤثر در مهاجرتهای روستا-شهری با تأکید بر مهاجرت جوانان روستایی استان قزوین. *تحقیقات جغرافیایی*، *١٦*(۳)، ٦٧-٩٣.

۲٤. طلوعی، و.، و خالق‌پناه، ک. (۱۳۸۷). روایت‌شناسی و تحلیل روایت، *خوانش*، *۹*(۵۲)، ٤٥-٥١.

۲۵. علی‌بیگی، ا.، پاپ‌زن، ع.، و دره‌زرشکی، م. (۱۳۸۸)، دلایل و راهکارهای کاهش تمایل جوانان روستایی شهرستان کرمانشاه به مهاجرت. *تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران*، *٤٠*(۱)، ۳۹-٤۹.

۲٦. غفاری، ر.، و ترکی‌هرچگانی، م. (۱۳۸۹). تحلیلی بر عوامل مؤثر در مهاجرت جوانان روستایی به شهر. *مسکن و محیط روستا*، *۲۹*(۱۳۲)، ۹۱-۱۰۲.

۲۷. فلیک، ا. (١٤٠١). *درآمدی بر تحقیق کیفی* (ه. جلیلی، مترجم). تهران: نشر نی

۲۸. قاسمی اردهایی، ع.، محمودیان، ح.، و نوبخت، ر. (۱۳۹٦). تحلیل علل مهاجرت‌های داخلی ایران در سرشماری‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰. *مطالعات و تحقیقات اجتماعی ایران*، ٦(۳)، ۳۷۵-۳۹۰.

۲۹. قاسمی‌اردهایی، ع.، و رستمعلی‌زاده، و. (۱۳۹٦). عوامل مؤثر بر تمایل مهاجرت جوانان روستایی با تأکید بر نقش تعلق به مکان. *نامه انجمن جمعیت‌شناسی*، *۱۲*(٢٤)، ٤٣-٦٧.

۳۰. کرسول، ج. (١٤٠٠). *پویش کیفی و طرح پژوهش* (ح. دانایی‌فرد، مترجم). تهران: اشراقی-صفار.

۳۱. لهسایی‌زاده، ع. (۱۳٦٨). *نظریات مهاجرت*. شیراز: انتشارات نوید.

۳۲. محمدی‌یگانه، ب.، و سنایی‌مقدم، س. (۱۳۹٦). تحلیل اثرات روابط شهر و روستا در مهاجرتهای روستا- شهری. *برنامه‌ریزی منطقه‌ای*، ۷(۲۷)، ۱۰۳-۱۱۵.

۳۳. محمودیان، ح.، و محمودیانی، س. (۱۳۹۷). *بررسی وضعیت مهاجرت و شهرنشینی در ایران با تأکید بر دوره ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵*. تهران: طرح مشترک دانشگاه تهران و صندوق جمعیت سازمان ملل متحد در ایران.

۳٤. مرکز آمار ایران. (۱۳۹۸). *ترازنامه و ماتریس مهاجرتی شهرهای ایران در سالهای ۱۳۹۰ تا ۹۵*. تهران: دفتر ریاست روابط بین‌المللی و همکاری‌های بین‌الملل.

۳۵. معمری، م.، حسین‌زاده، ع.، قربانی، ا.، و مفیدی‌چلان، م. (۱۳۹۸). عوامل اقتصادی و اجتماعی اثرگذار بر مهاجرت روستائیان. *اقتصاد فضا و توسعه روستایی*، ۸(٤)، ۲٤۳-۲۵۹.

۳٦. یعقوبی، ج.، اسعدی، ص.، و یزدان‌پناه، م. (۱۳۹٦). مشوق و بازدارنده گرایش جوانان روستایی به شغل کشاورزی در روستاهای قصرشیرین. *پژوهش مدیریت آموزش کشاورزی*، ۹(٤۰)، ۵۷-۸۹.

37. Bourdieu, P. (1993). *Sociology in question* (R. Nice, Trans). London: Sage Publications.
38. Fazli, M. (2015). *Factors behind the growth of informal settlements in Kabul.* Rtrieved from https:// www.semanticscholar.org/ paper/ Factors-Behind-the-Growth-of-Informal-Settlements-Fazli/c45e809ed489ea76c85d4 205aef2bb3 3169b9d5c
39. Ha, W., Yi, J., Yuan, Y., & Zhang, J. (2016). The dynamic effect of rural –to-urban migration on inequality in source villages: System GMM estimates from rural China. *Chin Economic Review*, *37*, 27-39.
40. Maykut, P., & Morehouse, R. (1994). *Beginning qualitative research: A Philosophic and practical guide.* London: The Falmer Press.
41. Nandy, A., & Chavi, T. (2021). India’s rural employment guarantee scheme-how does it influence seasonal rural out-migration decisions? *Journal of Policy Modeling*, *43*, 1181-1203.
42. Ordun, G., & Akun, F. (2017). Self-actualization, self-efficacy and emotional intelligence of undergraduate students. *Journal of Advanced Management Science*, 5(3), 170-175.
43. Singh, U. B., & Mishra, N. K. (2013). Women work participation in rural Uttar Pradesh: a regional analysis. *International Journal of Social Science and Interdisciplinary Research*, *2*(8), 47-57.

44. Stalker, P. (1994). *The work of strangers: A Survey of international labor migration*. Genova: International Labour office.